

کندوکاوی در ارزشها و اعتقادات مذهبی نوجوانان

چکیده:

عقاید مذهبی نوجوانان معمولاً در سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی شکل مجرد و مجازی به خود می‌گیرد. نظرات مذهبی نیز سهل‌گیرانه‌تر می‌شوند. ظاهراً در تغییر ارزشهای مذهبی هم عوامل فرهنگی و هم عوامل سنی تاثیر دارند. تحقیقات گالوپ نشان می‌دهد که افزایش تفکر صوری و انتزاعی در نوجوانان موجب گسترش درک و فهم آنان از طبیعت مذهب می‌شود همچنین نوجوانان نسبت به موضوعات معنوی علاقه نشان می‌دهند همین بررسی‌ها نیز نشان دهنده علاقه شدید نوجوانان به موضوعات معنوی است در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره نوجوانی ارزشها و استانداردهای اخلاقی برای انسان مطرح نمی‌شود. تواناییهای شناختی فزاینده نوجوانان بیشتر آنان را متوجه مسائل

و ارزشهای اخلاقی می کند و آنان راههای پیچیده تری برای کنار آمدن با این مسائل می یابند.

در این مقاله، نخست با ذکر اهمیت و جایگاه دوره نوجوانی از دیدگاههای متفاوت، بحران ارزشهای و روند تحول و دگرگونی در ارزشهای نوجوانان، با استناد به نتایج و تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، مورد بررسی قرار گرفته و سپس گرایشهای مذهبی و دینی نوجوانان و چگونگی رشد مفاهیم مذهبی در آنان و فرآیند تحول و دگرگونی در اعتقادات مذهبی نوجوانان با توجه به تحقیقات انجام یافته مربوطه مطرح و در پایان پیشنهادهای لازم ارائه شده است.

مقدمه :

دوران نوجوانی، از قدیم الایام، دورانی سخت و دشوار تلقی شده است. بنا به اظهار ارسطو "نوجوانان پرشور و آتشی مزاجند و آماده اند که خود را به دست غرایز بسپارند"^۱ افلاطون می گفت که پسرها تا ۱۸ سالگی نباید مشروبات الکلی بخورند، زیرا زود تهییج می شوند. تعبیر او این بود "نباید آتش روی آتش ریخت"^۲ در اوایل قرن ۲۰ استانی هال پدر مطالعه علمی درباره نوجوانی، این دوران را با قدری احساسات توصیف کرد. او آن را دوران "طوفان و تنش شدید" و نیز دوران توانایی فوق العاده جسمانی، عقلی و عاطفی می دانست.

اسلام نیز نسبت به نوجوانان نظر خاصی داشته است. پیامبر اسلام (ص) می فرمود: "اوصیکم بالشباب خیراً فانهم ارق افئده"^۳ به شما سفارش می کنم که نسبت به نوجوانان نیکی کنید زیرا آنان نازک دل هستند و زود رنجیده خاطر

می شوند. همچنین پیامبر بزرگوار اسلام (ص) این دوره را نوعی جنون دانسته و فرموده‌اند: "الشباب شعبه من الجنون"^۴ جنون از ماده جن به معنای پوشیدگی و استتار است. گویا دوران نوجوانی دارای ابهام و پوشیدگی است و نوجوان واقعاً نمی‌داند چه چیزی در وجود او اتفاق افتاده است. تغییرات عمومی بدن و روانی آنچنان سریع و همه جانبه است که او را دچار تشویش و نگرانی می‌کند و تصمیم‌گیری‌ها را برای او مشکل می‌سازد و برخوردهای او را با خانواده و مردم دشوار می‌کند. بنا به تعبیر علی (ع)، در دوران نوجوانی، گویا فرد شعور و آگاهی خود را از دست می‌دهد و در حالت مستی به سر می‌برد. همه ارزشهای او در هم ریخته است و جای پای استواری ندارد. در جای دیگر می‌فرماید: "جهل الشباب معذور و علمه محصور"^۵ ناآگاهی جوانان قابل چشم‌پوشی و دانش آنان محدود است. همین محدود بودن دانش و تجربه نوجوانان گاهی آنان را به سمت انحراف می‌کشاند البته علی (ع) دل نوجوان را مانند زمین بی حاصل می‌داند که هر چه در آن بکارند می‌پذیرد و رشد می‌دهد.

"انما قلب الحدث كالارض الخاليه مالمقى فيها من شئى قبلته"^۶

با عنایت به موارد فوق معلوم می‌شود که دروه نوجوانی، دوره حساس، ظریف، پر مسئله و از هر لحاظ قابل بررسی و تعمق می‌باشد. به نظر می‌رسد که ریشه و اساس مسائل نوجوان را می‌توان به چهار زمینه "۱- بحران بلوغ ۲- بحران هویت ۳- بحران ارزشها ۴- بحران مناسبات و روابط، نسبت داد.^۷

در این مقاله صرفاً بحران ارزشها و گرایشهای دینی نوجوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد و به نتایج تحقیقات انجام گرفته در هر دو زمینه اشاره می‌شود و در پایان پیشنهادهای لازم عرضه می‌گردد.

ارزشها

انتخاب فلسفه برای زندگی شخصی تکلیفی است که از نوجوانی شروع می شود. من کی هستم؟ و چه چیزی در زندگی مهمتر است؟ اینها سئوالاتی است که مرتب توسط نوجوانان پرسیده می شود. در طی مراحل اولیه رشد، کودکان در جستجوی پاسخی برای این سئوالات به والدین، بستگان و دوستان رجوع می کنند؛ اما در دوره نوجوانی متوجه خود شده و ایدئولوژیهای که برای نوجوانان مطلوب به نظر می رسند، معمولاً توأم با تعصب و قدرت هستند، زیرا برای آنان نظامهای قابل پیش بینی از عمل و رفتار در چهار چوب خاصی را، فارغ از جزئیات زندگی خودشان، فراهم می نمایند. برای نوجوانان دانستن جایگاه (اجتماعی، خانوادگی و ...) مهم است و نظامهای غیر منعطف ارزش به آنان کمک می کنند تا از جایگاه اجتماعی خود مطمئن شوند. به عنوان مثال، در کشورهای غربی، جذب نوجوانان به سوی فرقه های مذهبی از قبیل هاراکریشنا^۱ و مثالهایی از این قانونمندی است. البته به تدریج و به موازات اینکه نوجوانان توسط قضاوتهای شخصی خود ارضاء می شوند، نظام های خشک و غیر منعطف ارزشی با دیدگاههای انعطاف پذیر جایگزین می گردند.^۹

نوجوانان مجموعه ای از ارزشها را با خود دارند که بر افکار، احساسات و اعمالشان تاثیر می گذارند. به نظر "دبس" نظام ارزشها درمجاورت دنیای علم و اطلاع در نوجوانان پایه گذاری می شود و به تنظیم رفتار و مشخص نمودن عقاید کمک می کند.^{۱۰} اشپرانگ "معتقد است که در دروه نوجوانی ارزشهای اساسی زندگی به ترتیب اهمیت به صورت قطعی تر و پایدارتر در می آیند و نوع شخصیت نوجوان را تعیین می کنند؛ نوجوان تمام باورهایی را که در دوران کودکی بدون چون و چرا پذیرفته است مورد تردید قرار می دهد و

سعی می کند تا با توجه به شخصیت شکل پذیر و استقلال جوی خود نظامی از ارزشها را درباره زیبایی ، حقیقت ، قدرت و دین به دست آورد .

هر فردی ، براساس نوع شخصیتی که دارد ، به یک دسته از ارزشها بیش از ارزشهای دیگر اهمیت می دهد و در نتیجه ، آنها را محور و مبنای عمل و رفتار خود قرار می دهد " آلبرت و ورنون پرسشنامه ای شامل ۴۵ سؤال تهیه نمودند که در آن ، شش ارزش زیر که توسط اسپرانگر معرفی شده بود ، مورد ارزیابی قرار می گیرد : ۱- ارزشهای نظری ۲- ارزشهای اقتصادی ۳- ارزشهای زیبایی ۴- ارزشهای اجتماعی ۵- ارزشهای مذهبی ۶- ارزشهای سیاسی"^{۱۲}

در همین رابطه ، داوود شمسیان ، طی تحقیقی با عنوان "بررسی سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان پسر و دختر شهر تهران نشان داد که : بین سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد . البته پسران ارزشهای ششگانه تست آلپورت را با ساختار زیر به ترتیب از اول تا پنجم انتخاب نمودند : سیاسی به عنوان ارزش اول ، اجتماعی و اقتصادی دوم ، دینی سوم زیبایی چهارم و نظری به عنوان ارزش پنجم . اما دختران سلسله مراتب زیر را ترجیح دادند : دینی ، به عنوان ارزش اول ، اجتماعی ، به عنوان ارزش دوم ، زیبایی ، به عنوان سومین ارزش ، سیاسی ، چهارم اقتصادی ، پنجم و نظری ، به عنوان آخرین ارزش ، این محقق در یک نتیجه گیری کلی می افزاید : نوجوانان تهران در کل ، ارزش دینی را به عنوان اولین ارزش در میان شش مقوله ارزشی انتخاب کرده اند و رتبه دوم تا ششم به ترتیب مختص ارزشهای اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، زیبایی و نظری است."^{۱۳}

نتایج تحقیق عبدالامیر گلیک تحت عنوان " بررسی سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان پسر و والدین آنها نشان داد که بین سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان و والدین آنها تفاوت وجود دارد."^{۱۴}

" مطالعه اسپندلر در مورد ارزشها نشان داد که در جامعه دو دسته ارزش جریان دارد، یکی ارزشهای سنتی و دیگری ارزشهای پیش بینی نشده. جوانان معمولاً به سوی ارزشهای پیش بینی نشده می روند و همین امر باعث برخورد آنان با بزرگسالان و والدین که نماینده ارزشهای سنتی هستند می شود، و در برخی موارد به مشاجره می انجامد و حتی به کناره گیری و فرار از خانه منتهی می شود."^{۱۵}

بررسی در نمونه ای از دبیرستانهای اصفهان نشان داد که ۴۳ درصد از نوجوانان نظرات والدین خود را قبول ندارند، و از لحاظ ارزش با آنان اختلاف دارند.^{۱۶}

در بررسی دیگر از یک هزار دانش آموز دبیرستانی در تهران از آنان سؤال شد که تا چه مقدار با اشعار زیر موافقت و والدین آنها تا چه اندازه با این اشعار توافق دارند.^{۱۷}

تو نیکی می کن و در دجله انداز
 که ایزد در بیابانت دهد باز
 قناعت توانگر کند مرد را
 شو خطر کن ز کام شیر بجوی
 گر بزرگی به کارم شیر در است

در شعر اول کمتر از نیمی از اولیاء با این مفهوم موافقت داشته اند و اکثر دانش آموزان با آن موافقت نداشتند. در زمینه قناعت بیش از نیمی از اولیاء با مفهوم شعر موافق بودند و کمتر از نیمی از نوجوانان با این شعر موافق بودند. در

زمینه پذیرش خطر و شعر سوم ، اکثر جوانان با این مفهوم موافق بودند و تنها ده درصد با آن مخالف بودند ، در صورتی که والدین با پذیرش خطر کمتر موافقت داشتند . بررسی فوق این واقعیت را روشن ساخت که بین نظریات و ارزشهای والدین و جوانان تفاوت هست .

ارزشهای نوجوانان همیشه نتیجه تصمیمات عاقلانه ای نیست که به طور منطقی اتخاذ کرده اند . ارزشها غالباً به دلیلی با تضادها و انگیزه های شخصی آنان در ارتباط است و بسیاری را هم ناآگاهانه ، انتخاب می کنند.^{۱۸}

“ تضاد با والدین در مورد مسائل اخلاقی و سیاسی ممکن است ناشی از تلاش نوجوانان برای کسب هویتی مستقل و یا برای ابراز خشم عمیقی نسبت به والدین بی اعتنا و خشن باشد انگیزه های متضاد درونی و ناسخودآگاه تا حدود زیادی ناشی از اشتغال ذهنی نوجوان به ارزشها و اعتقادات اخلاقی است که مشخصه بسیاری از نوجوانان است.^{۱۹}”

اگر کودکان به زودی خود را با ارزشها و نگرشهای والدین تطبیق می دهند و حتی آن دسته از نگرشها که بر علیه خودشان است ، در مقابل ، نوجوانان در مواجهه با ارزشها به هیچ وجه نظر والدین با اولیای مدرسه را قبول ندارند و در حقیقت به علت نیازی که به احراز استقلال دارند ، از قبول ارزشهای آنان سرباز می زنند و یا برای اینکه ازادی خود را نشان دهند ، به نفی این ارزشها تظاهر می نمایند . در واقع نوجوان و همسالانش در این مرحله از زندگی به درجه ای از رشد فکری رسیده اند که دیگر کورکورانه به مقررات دوران کودکی گردن نهند.^{۲۰}

تحولات تازه در ارزشهای نوجوانان

در طی دو دهه گذشته گرچه بعضی از تغییرات در ارزشها بسیار اغراق آمیز بوده است نوجوانان علایق فزاینده ای را به سلامت بدنی نشان داده و نسبت به بهزیستی دیگران علاقه کمتری ابراز می‌دارند به ویژه زمانی که شرایط نامساعد باشد.^{۲۱} دانشجویان جدید الورود در مقایسه با همتهای ۱۰ الی ۲۰ سال پیش خود بیشتر به مسایل مالی علاقه نشان می‌دهند و کمتر به دنبال معنای فلسفی زندگی هستند. اغلب دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانی برای به دست آوردن پول قابل ملاحظه رغبت بیشتری نشان می‌دهند؛ دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانی به مشکلات اجتماعی ملی و چگونگی حل آنها در مقایسه با همسالان چند دهه پیش خود، کمتر علاقه نشان می‌دهند.^{۲۲} در بین دانشجویان تازه وارد در سال ۱۹۸۱، سی و دو درصد دختران و ۱۴ درصد پسران کمتر از دانشجویان پیش از آن در جریان اخبار سیاسی بودن را مهم می‌شمردند.^{۲۳}

دو جنبه از ارزشهای تازه که در سالهای ۱۹۶۰ شروع به افزایش نمود، در زندگی جوانان امروز نیز مشاهده می‌شود: خود اجرایی^{۲۴} و فرصت برای ابراز خود^{۲۵} به عنوان بخشی از علاقه به خود. "بسیاری از جوانان علاقه فزاینده ای به سلامت جسمانی و بهزیستی خود نشان می‌دهند. افزایش در خود اجرایی و خود ابرازی می‌تواند اهدافی بلند برای جوانان باشد. اما اگر فقط آن دو تنها ارزشها باشند منجر به خود تخریبی، تنهایی یا از خود بیگانگی خواهند شد. جوانان همچنین نیاز به داشتن علایق در مورد بهزیستی وضع دیگران دارند. تشویق نوجوانان به برقراری رابطه قوی با دیگران در کنار علاقه به خود اجرایی یکی از اصلی ترین تکالیف جامعه ما در سالهای آینده می‌باشد.^{۲۶}"

ارزشها با گذشت زمان تغییر می یابد. اگر شما در سالهای اول دهه ۳۰ سالگی باشید در آن صورت احتمالاً بعضی از ارزشهای خود را در طی اواسط دهه ۱۳۵۰ کسب کرده اید یعنی زمانی که هنوز انقلاب به پیروزی نرسیده بود و رژیم طاغوتی حاکم بود و برنامه های ضد مذهبی و استعماری رنگ بیشتری به خود گرفته و فساد اخلاقی عمومیت پیدا کرده بود. اگر شما الان ۴۵ ساله باشید در آن صورت در اواسط سالهای ۱۳۴۰ وارد نوجوانی شده اند شما در آن صورت با والدینی بزرگ شده اید که به برنامه های سخت و قواعد دارای انضباط خشک در تربیت کودکان معتقد بودند. کودکانی که در سالهای ۱۳۷۰ به دنیا آمده اند به احتمال بیشتر توسط والدینی آزاد گذار، کمتر تنبیه کننده و کمتر دگماتیک بزرگ شده اند. طبیعی است که می توان تفاوتی را بین سیستم های ارزشی ۲۰ ساله ها و ۴۵ ساله انتظار داشت. اما این تفاوتها به اندازه ای که محصول جریانهای تاریخی و فرهنگی هستند به تفاوتهای ناشی از تجربه و رشد شخصی مربوط می شوند. برای درک بیشتر این مطالب کافی است که مقایسه ای میان علایق دانش آموزان در سالهای اول پیروزی انقلاب اسلامی و زمان جنگ تحمیلی با سالهای اخیر (یعنی از سال ۱۳۶۹ تاکنون) صورت گیرد. به نظر می رسد که دانش آموزان و نوجوانان در اوایل انقلاب اسلامی علاقه زیادی به مسایل اجتماعی و حقوق فردی داشته اند در حالی که دانش آموزان و نوجوانان سالهای اخیر موفقیت شخصی را بیشتر از حقوق فردی و اجتماعی مورد توجه قرار می دهند.

اعتقادات مذهبی نوجوانان

نوجوان در دوران بلوغ، توجه خاصی به عوالم ماوراء الطبیعه نشان می دهد و تمایل دارد که در مورد آن سوی جهان هستی آگاهی یابد. از نظر قلبی و

احساسی نیز، علاقه او به زیباییهای معنوی برانگیخته می شود و مصداق کلام پیامبر (ص) واقع می شود که فرمود " آنها قلبی فضیلت پذیرتر و دلی رقیقتر و حساستر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان و نوجوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم برخاستند."^{۲۷}

برخی روانشناسان نیز در این زمینه به تمایلات اخلاقی نوجوان اشاره کرده اند: موريس دبس می نویسد: " ندای ارزشهای اخلاقی در دوره بلوغ به این معنی است که نوجوانان برای تمایل به نیکی، حساستر هستند."^{۲۸} دوريس اودلوم معتقد است:

" یک نوجوان بدون زمینه مذهبی و دینی یک کشتی بدون سکان است."^{۲۹}

نوجوانان و جوانان (از سن ۱۲ تا ۲۲ سالگی) به مذهب و اعتقادات معنوی و روحی خیلی بیشتر از کودکان علاقمند هستند. افکار انتزاعی و ایده آلی شان رشد و توسعه یافته و علاقه فزاینده شان به هویت، مذهب و موضوعات معنوی را قابل ملاحظه و جذاب می نماید. رشد افکار مذهبی و علاقه به فضیلت های مذهبی در سنین نوجوانی به حداکثر خود می رسد تا حدی که گاهی نوجوان به ریاضت کشیدن، شب زنده داری، انجام عبادات بسیار، راز و نیاز کردن با خدا و گریه های شبانه در هنگام نمازگرایش پیدا می کند، لذا نواز را ترک می گوید و صفا و پاکی و خلوص در روحش ایجاد می شود. تحقیقات کوهلن و آرنولد نشان داد که نوجوان در سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی دارای اعتقادات مذهبی بیشتری هستند و در سن ۱۸ سالگی این اعتقادات کاهش

می‌یابد. خانواده و اجتماع در تثبیت اعتقادات مذهبی نقش بسیار مهمی دارند. نوجوان به شدت تحت تاثیر خصوصیات اخلاقی خانواده و محیط و گروه هم سن خود قرار می‌گیرند و از آنان پیروی می‌کنند. نتایج بررسی در ۶۲۳ خانواده تهرانی که در جدول زیر آمده است، بیانگر نتیجه‌ای مانند نتیجه تحقیقات کوهلن و آرنولد است.

پایین		متوسط		بالا		طبقه اجتماعی
دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	جنسیت / گروه سنی
۶۹	۶۹	۵۲	۶۱	۵۷	۵۴	نوجوانان
۵۸	۵۶	۶۳	۵۸	۴۷	۴۶	جوانان

از جدول فوق استنباط می‌شود که نوجوانان بیش از جوانان علاقه به مذهب دارند و هرچه طبقه فرد بالاتر می‌رود عقیده مذهبی سست تر می‌شود. دلیل این امر را می‌توان در عدم توجه والدین یا عدم اعتقاد آنان به مذهب دانست.

سید حسین سراج زاده^۳ در تحقیقی تحت عنوان نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی می‌گوید نتایج بدست آمده "گویای آن است که دانش آموزان دبیرستانی حاضر در این نمونه در مجموع دارای گرایشها و علایق دینی بالایی هستند درحالی که نمرات دینداری گروه کوچکی (۴/۲ درصد) پایین بوده و نمرات ۴۵/۸ درصد متوسط و نیمی از نمونه دارای نمرات بالا بودند. میانگین نمره دینداری کلی هم ۳/۵۷ از ۵ بود." به طور کلی می‌توان گفت که در دو بعد لطیف تر دینداری که ناظر به اصول اعتقادات دینی (مثل اعتقاد به

خدا، نبوت، معاد و غیره) و نیز عواطف شخصی (مثل احساس نوعی ارتباط با موجودات مقدس و متعالی) هستند، نوجوانان مورد مطالعه دیندارتر بودند. در این دو بعد، گرایش دینی نوجوانان مورد مطالعه به نحو چشمگیری بالا بود. در دو بعد دیگر، یعنی مناسکی و پیامدی، که ناظر به کار بردن دین در زندگی اجتماعی و انجام مراسم عبادی فردی و شرکت در مراسم عبادی جمعی هستند، نمره دینداری پاسخگویان کمتر بود. در بعد مراسم عبادی هم، عدم شرکت در مراسم جمعی دینی علت اصلی کاهش نمره دینداری آنان است. زیرا اکثریت افراد اظهار داشته اند که عبادات دینی فردی (نمازهای یومیه، روزه و) را کم و بیش به جا می آورند، در حالی که قریب ۹۰ درصد آنان در مراسم جمعی عبادی (نماز جمعه و جماعت و) هرگز شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند.

نتایج تحقیق پوریوسفی^{۳۱} که سنجهای تقریباً مشابه سراج زاده را به کار برد، نمره دینداری بالایی برای نمونه خود، که متشکل از دانشجویان مسلمان مشغول به تحصیل در دانشگاه میشیگان آمریکا بودند، گزارش می کند. تفاوت نمره پاسخگویان تحقیق پوریوسفی در ابعاد مختلف دینداری نیز همانند تفاوت نمره پاسخگویان تحقیق سراج زاده است.

در تحقیق یحیی^{۳۲} که مقیاس متفاوتی به کار برد، هم گزارش می کند که نسبت بالایی از پاسخگویانش که مسلمان ساکن میشیگان بودند، خیلی دیندار یا دیندار طبقه بندی شدند.

همچنین تحقیق دیگری که توسط محمدرضا طالبان تحت عنوان سنجش دینداری جوانان صورت گرفته است نتایج تحقیقات قبلی در زمینه اعتقادات دینی نوجوانان را تأیید می کند. جامعه آماری تحقیق مزبور، دانش آموزان دختر و

پسر در پایه های اول ، دوم و سوم دبیرستانهای روزانه دولتی ، نمونه مردمی و غیر انتفاعی که در سال ۷۷ - ۷۶ در منطقه پنج تهران مشغول به تحصیل بودند، می باشد . نتایج این پژوهش نشان داد که از هر شاخصی که برای دینداری استفاده کنیم ، نه تنها دینداری و تعلق مذهبی جوانان نمونه تحقیق ، بحرانی و اسفناک نبوده بلکه اکثریت مطلق آنان واجد تعلقات دینی بالایی هستند.^{۳۳}

رشد مفاهیم مذهبی

دیویو الکانید^{۳۴} در یک سری از مطالعات ، چند دختر و پسر ۵ تا ۱۴ ساله ساله یهودی ، کاتولیک و پروتستان را آزمایش کرد . او سئوالاتی را شبیه این پرسید : " آیا شما کاتولیک هستید ؟ آیا خانواده شما یهودی است ؟ آیا همه پسران و دختران در دنیا مسیحی هستند ؟ او همچنین سئوالاتی از این قبیل پرسید : یهودی چیست ؟ شما چگونه کاتولیک شدید ؟ آیا شما می توانید همزمان یک آمریکایی و یک پروتستان (یا یهودی و کاتولیک) شوید ؟ یک نحوه تفکر یک فرد در اوایل دوره نوجوانی که از لحاظ رشد ذهنی در مرحله عملیات صوری است از یک کودک عادی که دوره طفولیت است، متفاوت بود. کودکان در دوره عملیات صوری بیشتر از همتهای جوانترشان منطقی هستند . آنان سمبول یک شخصیت مذهبی را در رفتارهای ظاهری یک فرد جستجو نمی کنند بلکه آن را در اعتقادات در دین و ایمان او جستجو می کنند . برای مثال، کودکی که در مرحله تفکر انضمامی یا عینی بود گفت : راهی که شما می توانید بگویید که آیا یک شخص کاتولیک است یا نه بوسیله این است که ببینیم آیا او به کلیسا می رود یا نه . در مقایسه ، فردی که در مرحله عملیات صوری قرار داشت گفت که : شما می توانید بگویید آیا یک شخص پروتستان است زیرا او برای توبه کردن و پرسش خدا آزاد است ؟"^{۳۵}

جمیز فاوئر^{۳۶} جنبه دیگر گسترش مفهوم مذهب را پیشنهاد کرد. او معتقد است که مخصوصاً اواخر نوجوانی در گسترش هویت مذهبی مهم است. فاوئر می گوید: آغاز سن ۱۸ سالگی مرحله بازتاب ایمان فردی نامیده می شود. برای اولین بار در زندگی شان، فرد بودنشان سرشار از مسئولیت اعتقادات مذهبی آنان است. قبلاً آنها شدیداً به اعتقادات والدینشان متکی بودند. در ضمن نوجوانی، فردیت، روبرو شدن با تصمیم های شخصی را می آورد و این سوالات را ارزیابی می کند: آیا من باید اول خودم را در نظر داشته باشم، یا رفاه دیگران را در نظر داشته باشم، آیا اصول و تعلیماتی (مذهبی) که به من یاد داده شده است قطعی بوده است یا آنها بیشتر از چیزی که به اعتقاد داشتن به آنها هدایت شده ام وابسته بوده اند؟

فاوئر معتقد است که یک رابطه نزدیک بین تکامل ارزشهای اخلاقی و ارزشهای مذهبی نوجوانان وجود دارد. او همچنین اعتراف می کند که این مرحله از بازتاب فردی، هم ردیف با سطح پس قراردادی اخلاقی کولبرگ است. در هر دو مورد، فردیت باعث تحول آنها از حالت معمول به تفکر منطقی بیشتر اختصاصی شده در مورد ارزشهای مذهبی می شود.^{۳۷}

شرایط فرهنگی- اجتماعی که نوجوانان در آن بزرگ می شوند، ترکیبی از گسترش توانایی درک آنان بر اثر شخصیت مذهبی آنان است. خصوصیات دوره عملیات صوری و تفکر انتزاعی کمک می کند تا نوجوانان به موضوعات معنوی علاقه پیدا کنند. نوجوانان علاقه شدیدی به موضوعات معنوی نشان می دهند. برای مثال در یک بررسی ملی از نوجوانان، تقریباً ۹ نفر از ۱۰ نفر گفتند که دعای خوانند. حتی درصد بالایی از آنان گفتند که به خدا یا یک روح جهانی ایمان دارند، و فقط از صد نفر یک نفر گفت که او چنین میل و وابستگی مذهبی

ندارد. اما در همان زمان بسیاری از نوجوانان گفتند که مذهب تشکیلاتی، برای آنان کم معنی است و تعلیمات کلیسا غیر مرسوم هستند فقط ۲۵ درصد از آنان گفتند که اطمینان زیادی به مذهب سازمانی دارند. در حدود ۴۰ درصد گفتند که صداقت و اخلاق شخصی روحانیون متوسط تا خیلی پایین است.^{۳۸}

تحول و دگرگونی در باورهای مذهبی نوجوانان

ار آنجا که ارزشها در دوران بلوغ متحول می شود، پیدایش شکهای مذهبی نیز در همین سنین آغاز می شود. شک در همه چیز، شک در اعتقادات خود، والدین، شک در تعلیمات مذهبی، در حقانیت پیامبران، در زندگی پس از مرگ، در آفرینش انسان از طرف خداوند و بعضیها از این تردید و شک هراس دارند و می گویند نکنند نوجوانان با این شک و تردید ره به جایی نیابد ولی بنا به گفته مرحوم مطهری از شک و تردید نباید ناراحت بود. "شک مقدمه یقین و پرسش مقدمه وصول و اضطراب مقدمه آرامش است. شک معبر خوب و لازمی است هر چند منزل و توقفگاه نامناسبی است."^{۳۹}

نکته مهم این است که نوجوان می خواهد مطمئن شود که آیا آنچه را که تا به حال به دست آورده درست بوده است یا خیر؟ او می خواهد با دلایل عقلی و منطقی همه اینها را قبول کند و یا با تردید به آنها بنگرد. تفسیری نو از جهان و هستی داشته باشد و از طرفی می ترسد پیدایش شک را با دیگران مطرح نماید چون ممکن است او را به لاقیدی و بی مذهبی متهم کنند. پس وقتی نوجوان در محیطهای مختلف اجتماع در مقابل شبهات و القائات فکری مکاتب و فلسفه های مختلف و افراد گوناگون قرار بگیرد و جواب منطقی و مسئول نداشته باشد، برای حفظ غرورش ناگزیر است خود را بیگانه با مذهب معرفی کند و با این

روش بر احساس خود به خاطر این ناتوانیها درمقابل دیگران سرپوش گذاشته و اندک اندک به نفی مذهب کشیده می شود .

”عقاید مذهبی جوانان معمولاً در بین سنین دوازده تا هیجده سالگی شکل مجرد و مجازی به خود می گیرد. مثلاً خداوند بیشتر به عنوان قدرتی انتزاعی تصور می شود تا همچون موجودی انسان گونه یا پدر مانند، نظرات مذهبی نیز سهل گیرانه تر می شود . ظاهراً در تغییر ارزشهای مذهبی هم عوامل فرهنگی و هم عوامل سنی تاثیر دارند.“^{۴۰}

در برخی کشورها از جمله کشورهای غربی از کاهش علاقه جوانان به مذهب صحبت می شود دست کم کاهش علاقه به مذهب بعضاً مربوط به دگرگونی ارزشهای مقبول میان نوجوانان و اعتقاد بسیاری از آنان به این نکته بود که مذهب - یا الاقل مذهب رسمی و نهادین - نمی تواند این دگرگونی را منعکس کند . مثلاً تقریباً نیمی از جوانان ، به درستی و یا به اشتباه ، معتقدند که کلیسا به اندازه کافی سعی نمی کند تا عقاید جوانان را درباره مسائل جنسی در یابد.^{۴۱}

” یکی از دگرگونی هایی که در دهه گذشته در میان جوانان رخ داده است . پیدایش شماری از گروهها و فرقه های مذهبی در میان آنان بوده است . فرقه هایی مانند جنبش عیسی ، هاری کریشنا ، جنبش ابناء خداوند^{۴۲} ، مونیس^{۴۳} و مذهب های مختلف خاوری و مثلاً در آمریکا جایی که بیشتر از ۲۵۰۰ فرقه مذهبی دارد ، دو یا سه میلیون نفر جوان و میانسال عضو گروههای مذهبی هستند و بیشتر از بیست و هفت میلیون نفر آنها را لمس کرده اند ، خواه به صورت سطحی یا عمقی . ”

برخی از این گروهها غیر رسمی و فاقد سازمان اند . برخی دیگر اساساً اقتدارگرا هستند . پیوستن به آنها ممکن است مستلزم در گذشتن از استقلال

فردی و همانندی مطلق یا عمل و عقیده یا اوامر و احکام رهبران آن گروهها باشد. برخی از جوانان پس از تجربه دورانی از سرگشتگی و آشفتگی هویت و در نتیجه احساسات ناشی از گروش ناگهانی و همه جانبه در چنان گروههایی ثبت نام می کنند. در این گونه موارد، اغلب افراد دارای سابقه روابط نامساعد خانوادگی، اعتیاد، تمنای تجربه های تازه جنسی و ولگردی بوده اند.

در عین حال در بین شمار بسیاری از جوانان علاقه نسبت به برخی ستهای مذهبی بنیادی تر افزایش یافته است. تقریباً نیمی از نوجوانان پروتستان و ۲۲ درصد از نوجوانان کاتولیک از تجربه تولد دوباره سخن می گویند که منظور از آن نقطه عطفی در زندگی آنان است که بواسطه پیدایش اعتقادی شخصی به حضرت مسیح حاصل شده است.^{۴۴}

اما در کل جوانان در سطح جهان با فرضیات و تئوریهای گوناگون ضد مذهبی مواجه هستند و شاهد حملات همه جانبه به مذهب می باشند. نتیجه این نحوه برخورد با مذهب در جهان باعث نوعی بی اعتقادی و پوچ گرایی شده است. مدافعین مذهب هم در سطح جهان نتوانسته اند جوانان را به خود جلب کنند. البته در این مورد جوامع اسلامی از جمله ایران را باید استثناء نمود. تجربه انقلاب اسلامی در ایران مویذ این نکته است که اگر مذهب در جهت اصلی خود یعنی رفع ظلم و اجرای عدالت و برقراری اخلاق گام بردارد، جوانان را آنچنان شیفته خود می سازد که در اندک زمان نظام سلطه و خود کامه را از هم می پاشد و مشت محکمی را بردهان استبکار می زند.

خلاصه و پیشنهاد

باورها و گرایشهای دینی و تقدیس ارزشها و تقبیح ضد ارزشها در نوجوانی، به بار می نشیند و سراسر شخصیت نوجوان را تحت تاثیر قرار می دهد.

همان طور که نتایج تحقیقات متعدد نیز نشان داد نوجوانان در شرایط فرهنگی و اجتماعی مساعد پاسخهای مثبت و گرایشهای عالی و مطلوبی را نسبت به ارزشهای والای انسانی و الهی و مذهبی از خود نشان می دهند و این در حالی است که توجه دادن نوجوانان به این گونه گرایشهای فطری و ایجاد روح علاقه مندی و تقدیس ارزشهای اخلاقی در زمانی صورت می گیرد که غرایز در حد قدرت و چیرگی بر نوجوان مسلط می شود و مایل است تا تمامی وجود او را مالک شود و هنگامه تقابل ارزشها و ضد ارزشها فرا می رسد و بحران ارزشها و خطر سقوط در دام فرقه ها و گروههای دروغین مذهبی و ضد مذهبی نیز آشکار می گردد. لذا برای برخورد با این بحرانها لازم است که:

- ۱- جنبه های فطری نوجوان از طریق حکایات اخلاقی، وقایع مستند تاریخی، شناخت فرهنگ ملی و اسلامی و به تصویر کشیدن چهره های ارزشمند عرفان اسلامی و بهره گیری از زبان ارتباطی هنر تقویت شود تا او را در غلبه یافتن بر سرکشیهای غرایز و حفظ تعادل یاری دهد.
- ۲- تشکیلات خانه جوان و نوجوان برای کمک به شناخت هویت اجتماعی و حرفه ای نوجوانان جامعه و خود آنان، به صورتی که برداشتهای غلط از قبیل ناپخته و نا آزموده و نادان بودن جوانان تغییر نماید، گسترش یابد و به آنان مسئولیت داده شود تا در تصمیم گیریها شرکت نمایند، به طوری که اگر نوجوانی احساس ارزش کند، رفتاری مناسب خواهد داشت و به سوی ارزشهای والاتر نیز کشیده خواهد شد.
- ۳- الگوهای و اسوه های ایمان برای نوجوانان، با این پیش فرض که الگوها و نمونه های اخلاقی همیشه نیروی محرک جامعه بوده اند و نوجوانان چون همیشه مجذوب قهرمانان و سرمشهای عالی انسانیت بوده اند بدین ترتیب

نوجوانان در برابر این جلوه های ارزشمند بی اختیار می شوند و سر تعظیم فرود می آورند و به ترتیب به سوی ارزشهای عالی کشیده می شوند. برخی از این اسوه ها عبارتند از:

۱- ۳- رسول الله (ص) به عنوان یک اسوه الهی

۲- ۳- علی (ع) اولین نوجوان مسلمان

۳- ۳- یوسف (ع) نمونه والای نفس ستیزی

۴- ۳- داوود (ع) قهرمان شجاع ۱۳ ساله

۴- برای تثبیت و استمرار نظام ارزشی مناسب در جامعه به صورتی که نوجوان دستخوش تحولات ارزشی زودگذر نشوند تلاش شود و در این راستا برای هماهنگی میان گفتار و کردار والدین و بزرگسالان در برخورد بانوجوانان با عنایت به این نکته که اگر خدای نکرده این هماهنگی به عمل نیاید در آن صورت نظام ارزشهای نوجوانان متزلزل خواهد شد، کوشش لازم به عمل آید.

۵- طرز ارائه مسائل مذهبی به نوجوانان بسیار اهمیت دارد و باید مسائلی را در این دوره برای آنان گفت که از دین زده نشوند و درعین حال باید آن مسائل را با زندگی تطبیق داد. مثلاً، این موضوعات باید طوری ارائه شود که نوجوانان احساس کنند امور مذهبی قابل پیاده شدن در زندگی روزمره می باشد.

۶- کمک به نوجوان در تحصیل یک فلسفه حیاتی پویا و ارزشمند و ارضاء کننده با عنایت به این نکته ظریف که بایستی از تکفیر نوجوانان خودداری نمود و فرصت لازم را برای بحث و گفتگو درباره مسائل اعتقادی و مذهبی

به آنان داد و در عین حال به او تفهیم نمود که شک گذرگاه خوبی است ولی منزلگاه خوبی نخواهد بود.

۷- القای معنویت مطابق با حال و هوای این دوره و تفهیم این نکته به نوجوان که دل و قلب او پاک و زلال است. محبوب خداست و بیشتر از هر زمان دیگری به خداوند نزدیک است.

۸- دقت در انتخاب معلمان بینش دینی در سطح راهنمایی و دبیرستان و رعایت الگو و نمونه بودن آنان از لحاظ دینی و اعتقادی و اینکه به آنچه می گویند عمل نمایند و دارای ایمان و اعتقاد قوی به مذهب باشند و توانایی پاسخ دادن به سئوالات نوجوان را داشته باشند و بتوانند خرافات را از نظریات صحیح دینی تمیز دهند.

۹- باید فلسفه اصول عبادی را برای نوجوانان و جوانان به نحو مطلوب و جذاب بیان نمود و دلایل علمی و روانی دعاها و توسلات و ... را نیز باید توضیح داد. همچنین برنامه ملاقات با بزرگان دینی و افراد متقی و مومن به تمام معنا که باعث ایجاد و گسترش روح دینی و فطرت مذهبی در نوجوانان خواهد شد، ترتیب داد.

۱۰- همانطور که نتایج تحقیقات در مورد سلسله مراتب ارزشهای دختران و پسران نشان داد، گرایش به ارزش های مذهبی، درکل، میان نوجوانان در جامعه ما قوی است به ویژه نتیجه جالب محقق مذکور حاکی از این بود که گرایش دینی دختران نسبت به پسران زیادتر است. پس پیشنهاد می شود که برای پرورش روح مذهبی در دختران محتوای برنامه های مذهبی و دینی دختران، غنای بیشتری داشته باشد. به نظر می رسد، تهیه و تدوین برنامه

درسی مذهبی خاص و ویژه برای دختران از ضروریات نظام آموزش و پرورش جامعه ما است .

۱۱ - پیشنهاد آخر اینکه باید دین و علم را با هم به نوجوانان آموزش داد و عملاً در تفهیم این نکته تلاش کرد که آن دو از یکدیگر جدا نیستند بلکه دین ، علم و عقل در نهایت با هم هماهنگ هستند و مطالب دینی ، عقلی و بعضاً علمی نیز می باشند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها و پانوشتها

- 1- Kiell . 1986 . P . 18
2- Plato . 1953 . P . 14

۳- کتاب قریش ، ص ۱ .

۴- بحار ، ج ۱۷ ، ص ۴۹ .

۵- غرر الحکم ، ص ۳۷۲

۶- نهج البلاغه صبحی صالح ، ص ۳۹۳ .

۷- احمدی ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۵۷ .

8- Hari Krishnas

9- Gormly . and Broodzinsky , 1989 , P . P 314 - 315

۱۰- دبس ، ۱۳۶۸ ، ص ۱۱۲ .

۱۱- موس ، ۱۳۵۷ ، ص ۹۴ .

۱۲- احمدی ، ۱۳۵۸ ، ص ۴۳ .

۱۳- شمسیان ، ۱۳۷۳ ، ص ۲۰۱-۲۰۲ . مطالعات فرهنگی

۱۴- گیلک ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۹۲ .

۱۵- احمدی ، ۱۳۵۸ ، ص ۹۴ .

۱۶- احمدی و ادیب ، ۱۳۷۱ .

۱۷- انجمن اولیاء و مربیان ، شماره ۱۴ .

18- Conger and Petersen , 1984 .

۱۹- ماسن و دیگران ، ۱۳۷۰ ، ص ۶۰۱ .

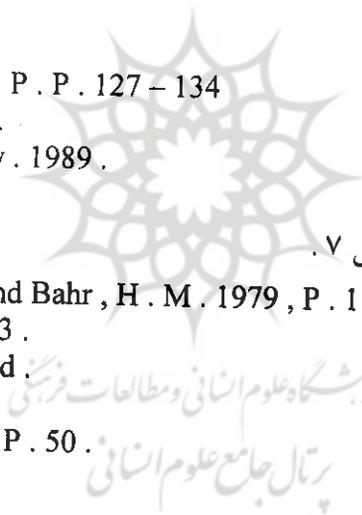
۲۰- بلر و جونز ، ۱۳۵۰ .

21- Conger , 1981 .

22- Bachman and others , 1987 .

23- Astin , 1980 , p . 4-5.

- 24- Self – Fulfillment ,
 25- Opportanity for self – expression .
 26- Gormly and Broodzinsky . 1989 . P . 315 .
- ۲۷- بحار ، ج ۱۷ .
 ۲۸- دبس ، ۱۳۶۸ .
 ۲۹- اودلوم ، ۱۳۵۴ ،
 ۳۰- سراج زاده ، ۷۵ - ۱۳۷۴ .
- 31- Pouryoussefi , 1989.
 32- Yahya , 1980.
- ۳۳- طالبان ، ۷۷ - ۱۳۷۶ .
- 34- David Elkind .
 35- Elkind , 1978 . P . P . 127 - 134
 36- James Fowler .
 37- Santrock , j . w . 1989 .
 38- Ibid .
- ۳۹- مطهری ، ۱۳۵۷ ، ص ۷ .
- 40- Coplow , T . and Bahr , H . M . 1979 , P . 1 - 17.
 41- Sorenson , 1973 .
 42- Children of God .
 43- Moonies .
 44- Gallup , 1978 , P . 50 .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

الف / فارسی :

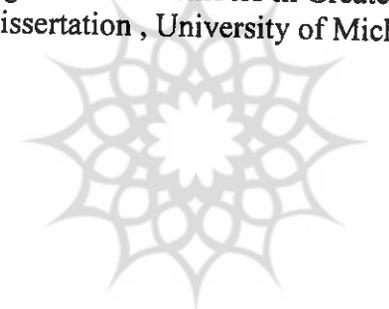
- ۱- نهج البلاغه صبحی صالح .
- ۲- غرر الحکم .
- ۳- بحار الانوار .
- ۴- کتاب قریش .
- ۵- احمدی، سید احمد ، ۱۳۷۳ ، مشکلات دانش آموزان راهنمایی و چگونگی برخورد با آنها در مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوان و جوان در آموزش و پرورش ، دبیرخانه سمپوزوم جایگاه تربیت .
- ۶- احمدی ، سید احمد ، ۱۳۵۷ ، مقدمه ای بر مشاوره و روان درمانی .
- ۷- احمدی ، سید احمد و ادیب ، نسترن ۱۳۷۱ ، بحران هویت در نوجوانان .
- ۸- انجمن اولیاء و مربیان ، روابط بین پدر و مادر با فرزندان در دنیای امروز .
- ۹- انجمن اولیاء و مربیان ، ۱۳۵۴ ، بررسی تفاوت نظام ارزشهای نوجوانان و جوانان ، شماره ۱۴ .
- ۱۰- اودلوم ، دوریس ، ۱۳۵۴ سیری در بلوغ ، ترجمه کاظم سامی و محمود ریاضی ، انتشارات توس .
- ۱۱- بلر ، گلن . مایزر و جونز ، استیوات ، ۱۳۵۰ ، روانشناسی نوجوانی ، ترجمه رضا شاپوریان ، امیر کیبیر .
- ۱۲- خدایاری ، محمد ، ۱۳۷۱ ، مسائل نوجوانان و جوانان ، انجمن اولیاء و مربیان ، انتشارات دانشگاه تهران .

- ۱۳- دبس ، موریس ، ۱۳۳۸ ، مراحل تربیت ، ترجمه علیمحمد کاردان ، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- سراج زاده ، سید حسین ، ۷۵ - ۱۳۷۴ - نگرش ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت های آن برای نظریه سکولار شدن ، نمایه پژوهش ، فصلنامه اطلاع رسانی پژوهشی ، معاونت پژوهش و آموزش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال دوم ، شماره هفتم و هشتم ، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ .
- ۱۵- شمسیان ، داود ، ۱۳۷۳ ، بررسی سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان پسر و دختر شهر تهران در مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت ، دبیرخانه سمپوزیوم .
- ۱۶- طالبان ، محمد رضا ، ۷۷ - ۱۳۷۶ ، سنجش دینداری جوانان ، نمایه پژوهش ، فصلنامه اطلاع رسانی پژوهشی معاونت پژوهش و آموزش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال دوم ، شماره هفتم و هشتم ، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ .
- ۱۷- گیلک ، عبدالامیر ، ۱۳۷۳ ، بررسی سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان پسر و والدین آنها در مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت ، دبیرخانه سمپوزیوم .
- ۱۸- مطهری ، مرتضی ، ۱۳۵۷ ، عدل الهی ، حکمت ، تهران .
- ۱۹- موس ، رالف ، ۱۳۷۵ ، نظریه های بنیادی درباره نوجوانی ، ترجمه صدیقی و همکاران ، انتشارات عطائی .

ب / انگلیسی :

1. Astin , A . W . 1980 Characteristics and attitudes of first – year college students , 1969 – 1976 .Chronicles of Higher Education , January 28 , 19.
2. Bachman , J . G . , Johnston , I . D . , and O Malley P . M . 1986 . Monitoring the Futare . Arbor . University of Michigan , Institute of Social Research .
3. Gaplow , T . and Bahr , H . M . 1979 . Half acentury of change in adolescent attitudes .Replication of a Middlirtown survey by the Lynds . Public Opinion Quarterly , 43.
4. Conger , J . J . 1981 . freedm and Commitment . families , Youth , and social change. American Psychologist , 36.
5. Conger , J . J . and Petersen , A . c . 1984 . Adolescence and Youth. Psychological development in a changing world (3 re ed) . New York . Harper & row .
6. Elkind, d. 1978. Undrestanding the young adolescent. Adolescence . 13.
7. Gallup , G . 1978 . Gallup youth survey . Denver Post , January 15.
8. Gormly , A . V . & B rodzinsky , d . M . 1989 . Lifespan Human . Development . Fourth Edition . Holt , Rinehart & Winston , INC .
9. Kiell , N . 1967 . The universal experience of adolescence . Boston . Beacon .
10. Plato . 1953 . The . The Dialogues of plato (Vol . 4) Laws (4 th ed .) . (B Yewett , trans) . Oxfore . Clarendon Press .

11. Pouryoussefi , Hamid , 1984 . College Impact on Religiosity of Muslim Students , studing in the united state , PhD Dissertation , kalamazoo . Michigan .
12. Santrock , Jhon W . & Yussen , steve r . 1989 . Child Development An Introduction . Fourth Edition . Wm . c . Brown publishers .
13. Sorenson , R .C . 1973 . Adolescent Sexuality in contemporary America . Presonal values & sexual behavior ages 13 – 19 .New York . Abrams .
14. Yahya , Hassan . Q . 1988 . Factors influencing the satisfaction of Muslim Organization Members in Greater Lansing , Michigan , Area , PhD Dissertation , University of Michigan .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی